

در فوائدها

فی

الحاشیة علی الفرائد

تألیف

شیخنا المرحوم المصباح المصابیح

مؤسسة الطبع والنشر  
التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی

## نقد تصحیح حاشیة آخوند بر رسائل

عبدالله علوی

معروف است. و درست هم هست. که آخوند فی الجمله دوبار بر رسائل حاشیه نوشته است، یکی معروف به حاشیه قدیمه و دیگری جدیده<sup>۱</sup>. گفته اند که حاشیه قدیمه اولین تألیف آخوند است<sup>۲</sup>. گذشته از سخن سرگذشت نگاران، از اشارات و تصریحات خود مرحوم آخوند هم در لابه لای نوشته هایش چنین مطلبی استفاده می شود؛ از باب نمونه به این موارد می توان اشاره کرد:

الف - «و قد فصلنا القول فیہ فی التعليقة الجديدة فیما علقناه علی مباحث العلم الإجمالی»<sup>۳</sup>؛  
ب - «و قد بسطنا الكلام فی اثباتها ... فیما علقناه جدیداً علی مباحث القطع و الظن من رسائل شیخنا العلامة - أعلى الله مقامه»<sup>۴</sup>؛

ج - «و قد فصلنا الكلام فی النقض و الإبرام فی التعليقة الجديدة فی مسألة إمكان التعبد بالظن»<sup>۵</sup>؛

د - «و فی أصل البراءة كما بیّناه فیما علقناه و حققناه سابقاً...»<sup>۶</sup>؛

ه - «فیما علقناه سابقاً علی الكتاب فی مسألة البراءة و الاحتیاط»<sup>۷</sup>؛

و - «فیما علقنا جدیداً علی بعض مسائل القطع»<sup>۸</sup>؛

در فوائدها فی الحاشیه علی الفرائد. آخوند مولی محمد کاظم خراسانی. تصحیح سید مهدی حسن الدین. (چاپ اول)؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۱۰ (ق). ۵۷۰ ص، وزیری.

فقیه و اصولی محقق و مدقق، آخوند مولی محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ ق) معروفتر از آن است که نگارنده بخواهد درباره اش چیزی بنگارد. از حدود یکصد سال پیش به این طرف، افکار و آرای این قله برافراشته دانش، محور تدریس و تدرّس حوزه هاست. از میان تصنیفات ایشان، چهار کتاب بیشتر مورد استفاده و مراجعه بوده و هست که - به ترتیب تاریخ تألیف - عبارتند از:

۱- حاشیه رسائل؛

۲- فوائده الأصول؛

۳- حاشیه مکاسب؛

۴- کفاية الأصول.

شیبوه آخوند - قدس سره الشریف - در نگارش گزیده نویسی است. جز نکات مهم، به مطلب دیگری اشاره نمی کند و نوعاً چیزی جز حرفهای تازه ای که خود دارد نمی نویسد و بهیچوجه به نقل اقوال و «إن قلت قلت» های بی ثمر و عمر برهاده روی نمی آورد.

ز - «فیما علقتاه علی مباحث الظن قدیماً و جدیداً»<sup>۹</sup>؛

ح - «فیما علقتاه جدیداً علی الاستصحاب»<sup>۱۰</sup> .

این عبارات صریح است در اینکه آخوند - فی الجملة - دو حاشیه بر رسائل نوشته است. همچنین در برخی تألیفات دیگرش، به حاشیه اش بر رسائل - بدون تقیید به حاشیه قدیمه یا جدیده - اشاره و احياناً تصریح می کند؛ از جمله:

الف - «و ما ذکرنا فی الحاشیة فی وجه ... لا یخلو من تکلف بل تعسف»<sup>۱۱</sup>؛

ب - «فراجعہ [یعنی کتاب الرسائل] بما علقتاه علیہ»<sup>۱۲</sup>؛

ج - «... کما استظهرناه فی البحث و فیما علقتاه علی البراءة»<sup>۱۳</sup>؛

د - «فراجع کلامه [یعنی الشیخ] بما علقتاه علیہ»<sup>۱۴</sup>؛

مرحوم آخوند در این کتاب بارها از استاد بزرگش میرزای شیرازی (متوفای ۱۳۱۲ق) با تعبیراتی مانند: «السید الاستاد - دام بقاؤه» (ص ۴۸۶)؛ «سیدنا الاستاد - دام ظلّه» (ص ۴۹۰، ۵۳۰)؛ «السید الاستاد - دام ظلّه» (ص ۵۰۷)؛ «سیدنا الاستاد - دام ظلّه العالی» (ص ۵۵۴) یاد کرده و به آراء و انظار ایشان اشاره کرده است.

همچنین از این کتاب استفاده می شود که استاد دیگر آخوند، یعنی شیخ انصاری (متوفی ۱۲۸۱ق) رسائل را پس از تألیف، تدریس می کرده و در هر بار تدریس اصلاحاتی در آن انجام داده است. مرحوم آخوند به مواردی از آن اصلاحات که شیخ در آخرین دوره تدریس رسائل انجام داده، اشاره کرده که لازم است به این نکات در تصحیح کتاب رسائل توجه شود. مثلاً آخوند در حاشیه رسائل گفته است:

الف - «... و إن لم یخرج المصنف - قده - عن عهدة ذلك هناك حين قراءتنا علیه الكتاب فللنا عدل عنه إلى المصلحة فی الأمر بالسلوک و زاد لفظ الأمر... إلا أنه قبل أن یصل إلى هنا بحسه قضی نعبه و فاز إلى روح و ریحان، و جنة و رضوان»

(ص ۱۶۵)؛

ب - «فأجاب المصنف الاستاد حين قراءتنا علیه

الكتاب...» (ص ۴۸۸)؛

ج - «کتب هنا عند قراءتنا الکتاب علیہ، بعد ما ضرب علی ما هو بین قوله: ولكن مشکل الأمر؛ و بین قوله: ولكن یضعف هنا الإشکال» (ص ۵۲۵)؛

د - «و زاد لفظ الأمر هناك عند قراءتنا علیه الکتاب» (ص ۵۶۱)؛ و نیز بنگرید به صفحات ۲۳۱ و ۴۲۷.

چنان که گذشت، آخوند دوبار بر رسائل حاشیه نوشته که به حاشیه قدیمه و حاشیه جدیده معروف شده اند. یک دوره حاشیه آخوند بر رسائل همراه با فوائد الاصول وی از سال ۱۳۱۵ قمری (در حیات محشی) تا کنون بارها به سه گونه چاپ شده است. غیر از چاپ سال ۱۳۱۵، این اثر در سال ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ به گونه ای دیگر چاپ شده که از این میان چاپ ۱۳۱۵ از همه مغلوطتر و چاپ ۱۳۱۸ از همه بهتر است. در چاپ ۱۳۱۹ از آن به عنوان درالفوائد یاد شده و شیخ آقا بزرگ هم از آن با همین عنوان یاد کرده<sup>۱۵</sup> و درالفوائد و آنچه چاپ شده را حاشیه جدیده می داند. او تصریح می کند که حاشیه قدیمه، حاشیه ای کامل و از دقیقترین حواشی رسائل است و گرچه پاکنویس هم شده؛ ولی به چاپ نرسیده است<sup>۱۶</sup>. اینک باید دید آیا آخوند بر همه رسائل دوبار حاشیه نوشته یا بر برخی از ابواب آن؛ و آنچه بارها چاپ شده و از این پس آن را درالفوائد می خوانیم، کدام است. تاریخ فراغت از نگارش قسمت‌های مختلف درالفوائد از این قرار است: مبحث قطع و ظن، ششم شوال ۱۳۰۲؛ براءت و اشتغال و تخییر، دهه اول جمادی الآخرة ۱۲۹۵؛ استصحاب، ماه رجب ۱۳۰۵؛ تعادل و تراجیح، ذیحجه ۱۲۹۹.

آنچه از قرائن و شواهد و تصریحات خود آخوند برمی آید، اینک:

۲۲۰، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۶۳، ۲۷۵). البته چنان که گذشت شیخ آقا بزرگ تصریح کرده که حاشیه قدیمه کامل است. به هر تقدیر، اظهار نظر قطعی در این زمینه نیازمند مجالی بیشتر و بررسی نسخه های خطی این دو حاشیه است؛ از جمله نسخه های شماره ۱۵۳۱۳، ۱۳۰۴۲، ۱۱۷۲۱، ۸۸۳۲ کتابخانه آستان قدس رضوی<sup>۱۱</sup>، و شماره ۲۵۵۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران<sup>۱۲</sup>، و شماره ۶۱۲۹ و ۶۱۵۱ کتابخانه آیت الله مرعشی، قدس سره<sup>۱۳</sup>.

اینکه به نقد تصحیح حاشیه آخوند که آقای سید مهدی شمس الدین آن را عهده دار بوده اند، می پردازم.

#### نقد تصحیح حاشیه آخوند بر رسائل

آقای سید مهدی شمس الدین حاشیه معروف آخوند بر رسائل را که بیش از پنج بار چاپ شده، اخیراً تصحیح (کاربرد این کلمه از باب ضیق تعبیر است) و حاشیه قدیمه آخوند بر قطع و ظن را هم به آن ضمیمه کرده است. این مصحح (باز هم از ضیق تعبیر) بیشتر دو کتاب دیگر آخوند، یعنی حاشیه مکاسب (سال ۱۴۰۶ق) و فوائد الاصول (۱۴۰۷ق) را تصحیح کرده (و بهتر است گفته شود تباها کرده)، و این هر سه را یک ناشر منتشر کرده است. به دنبال تصحیح و نشر فوائد الاصول، ناقد بیچاره ای مدتی از عمر خود را هدر داد و نقدی جانانه بر آن تصحیح نگاشت و از حدود یک هفتم کل کتاب (۱۷۰ صفحه)، یعنی از بیست و دو صفحه آن، حدود یکمصد غلط قطعی پیدا کرد. آن نقد در شماره ۲۵ مجله حوزه، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۷، یعنی دو سال و نیم پیش از نشر تصحیح رسائل چاپ شد. انتظار می رفت مصحح محترم از آن نقد درس بگیرد و از کاسی با کتاب دست بردارد؛ ولی متأسفانه نه مصحح متنبه شد و نه ناشر و هر دو، بار دیگر، بخش عمده ای از کاغذ و مواد چاپ و امکانات مادی بیت المال را بر باد دادند.

الف. آخوند بر مبحث قطع و ظن دوبار حاشیه نوشته و تاریخ ختم اولی تقریباً پیش از ماه رمضان ۱۲۹۱ق (ص ۵۶۸) و تاریخ ختم دومی سوال ۱۳۰۲ است. و هر دو حاشیه هم موجود است و حاشیه دوم بارها و حاشیه اول تنها در کتاب مورد بحث (ص ۵۶۸-۴۷۹) به چاپ رسیده است و از اشارات و تصریحات آخوند هم تألیف دو حاشیه بر این مبحث، استفاده می شود؛ مثلاً می گوید:

«... فیما علقناه جدیداً علی بعض مسائل القطع» (ص ۲۳۷)؛

«... فیما علقناه علی مباحث الظن قدیماً و جدیداً» (ص ۳۶۸).

ب. آخوند بر مبحث استصحاب هم دوبار حاشیه نوشته که تاریخ ختم حاشیه قدیمه ۶ محرم ۱۲۹۴<sup>۱۴</sup>، و تاریخ ختم حاشیه جدیده ماه رجب ۱۳۰۵ است. آنچه در درو الفوائد تاکنون و نیز کتاب مورد بحث چاپ شده، حاشیه جدیده استصحاب است. حاشیه قدیمه استصحاب مطلقاً چاپ نشده و بنا به آنچه در فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آمده، نسخه ای از آن به شماره ۲۵۵۲/۳ در آن کتابخانه موجود است<sup>۱۵</sup>.

آخوند خود نیز می گوید: «... کما فصلناه فیما علقناه جدیداً علی الاستصحاب» (ص ۲۳۱).

ج. ظاهراً حاشیه براهات و اشتغال و تخبیر و تعادل و تراجم را بیش از یک بار ننوخته است. و آنچه چاپ شده، همان است که در دوره اول بر رسائل نوشته و در حقیقت حاشیه قدیمه محسوب می شود و چنان که گذشت. تاریخ فراغت از براهات و اشتغال و تخبیر جمادی الآخرة ۱۲۹۵، و تعادل و تراجم ذیحجه ۱۲۹۱ است. و چنان که از آغاز بحث براهات و اشتغال و تخبیر برمی آید، این فصل را پس از حاشیه [قدیمه] قطع و ظن و استصحاب، و نیز پس از تعادل و تراجم نوشته است (ص ۱۸۳، نیز راجع ص ۱۸۵، ۲۰۸).

گویا مصحح پنداشته اند که با مرور زمان آن تقد از صفحه اذهان فاضلان رخت برمسند و ذوالفقار هلی - ج - در نیام و زبان سعدی در گام است؛ غافل از آنکه این گونه کارها سرانجام از دم تیغ نقد خواهد گذشت.

باری، تصحیح حاشیه رسائل با فوائدالاصول تفاوتی ندارد و هر دو در کثرت اغلاط در يك حکمند. از آنها که صرف وقت زیاد برای نقد این تصحیح، توضیح عمر است؛ لذا این بنده به ذکر چند نکته بسنده می کنم و سخن را به پایان می آورم.

بسیاری از اغلاطی که در تصحیح فوائدالاصول رخ داده و در نقد آن آمده، بدبختانه در این اثر هم به حال خود باقی است. کتاب نه مقدمه درستی دارد و نه فهرستی. همین قدر بدانید که این کتاب تخصصی ۵۷۰ صفحه ای، فقط شش سطر فهرست دارد. نه سرصفحه ای دارد و نه فهرست منابع و نه عنوان و سرفصل! به طوری که اگر کسی بخواهد بفهمد آیا آخوند برای فلان عبارت رسائل، حاشیه دارد یا نه؛ چه بسا بیش از يك ساعت معطل شود. هیچ يك از لوازم تصحیح در این اثر دیده نمی شود. تنها جلد و صحافی و کاغذ آن مرغوب است و پس. تنها در ص ۱۰ (صفحه دوم مقدمه) شش غلط رخ داده و در ص ۱۱۰-۱۱۱ کلمه «تراجیح» پنج بار به غلط «تراجح» چاپ شده است. کلمه «ایضا» در سرتاسر کتاب تا آنها که من دیدم - به صورت «ایضاً» ضبط شده است؛ از جمله در این صفحات: ۱۲۱، ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۶۸، ۳۳۰، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۷۷، ۳۹۲، ۴۰۹، ۴۳۹، ۵۱۶، ۵۲۳، ۵۵۲. با اینکه بخصوص به همین نکته در نقد مزبور اشاره شده است. کلمه «هلی حنة» همه جا «هلیحنة / هلی حنة / هلی حنة» ضبط شده است؛ از جمله در ص ۲۵۱، ۲۶۱، ۳۳۰، ۳۴۰. همچنین کلمه «مفاد» در ص ۳۲۲ به تشدید «دال» ضبط شده است. مصحح مطلقاً احکام همزه وصل و قطع را تشخیص نداده، و بالأخره کمتر صفحه ای است که از این گونه اغلاط خالی باشد. همچنین بسیاری از کلمات مطابق رسم الخط صحیح

عربی نیست؛ مانند ملاقات (۲۸۱)، منافات (۳۱۳ ۲۲۹)، مراعات (۲۳۲، ۵۴۱) برائت و قرائت.

همچنین اینکه در پایان بخش تعادل و تراجیح در چاپ سنگی قدیم چنین آمده است: «و قد وقع التناق لمؤلفه الاثم محمد كاظم الطوسي» مصحح هم این عبارت را عیناً آورده و معوجه نشده است که در اینجا «الفراغ» درست است و نه «الفران».

باری، این نکات جزئی است و اگر ایرادات کچسایب منحصر به این گونه لغزشها بود، از آنها اغماض می شد. ولی اغلاط غریب و عجیبی در این تصحیح رخ داده که مطلقاً انسان را به آن بی اعتماد و آن را از حیث انتفاع خارج می کند. در اینجا تنها به چند نمونه از این نوع خطاها اشاره می کنم:

\* ۱. ص ۶۶:

... وذلك لأن التعمد باخبر الواحد عنه تعالی لوقام دليل عليه. كما إذا قال النبي صلى الله عليه وآله: «كل ما اخبر سلمان عنه تعالی فاعصوا به»، مثلاً. فهو بكان من الإمكان.

مصحح محترم، از سوی حوصله و بضاعت تحقیق نداشته و از سوی دیگر می خراسته وانمود کند که مأخذ احادیث را یافته و ذکر کرده است؛ ولی در اینجا مشتتس باز شده است. چه وی پنداشته که گفتار فوق حدیث است و این حدیث پیامبر راجع به سلمان، لایذ در نفس الرحمن محدث نوری که راجع به احادیث مربوط به سلمان و فضایل اوست آمده، و درین این توهم و بدون اندکی تأمل و مراجعه به نفس الرحمن، به خیال خود خواسته است مأخذ مثلاً این حدیث را مشخص کند. از این رو در پانویست آورده است: «نفس الرحمن في فضائل سلمان»! البته که شماره صفحه ای از آن را ذکر نکرده است. غافل از آنکه با اندکی تأمل - کالشمس في رابعة النهار - روشن می شود که پیامبر چنین حدیثی نفرموده و این کلام آخوند است که از باب مشال آورده و خودش تصریح کرده که: «كما إذا قال النبي كل ما اخبر

سلمان عنه تعالی فاعملوا به؛ مثلاً...». اکنون آیا باید انتظار داشت مصححی که جمله ای را که به روشنی پیداست که حدیث نیست، حدیث می انگارد؛ عبارات موجز و غامض و پیچیده آخوند را تصحیح کند؟ به نمونه های دیگر توجه فرمایید.

\* ۲. ص ۲۸۲:

... كما يظهر من مراجعة ما يوازيه مثل «لارث و لافسوق و لاجدال فی الحج» أوبقال. مثلاً: «لاقمار و لاسرقة و لاأكل اموال الناس بالباطل في الإسلام...»

اینجا هم مصحح، این جمله آخوند «لاقمار و لا...» را حدیث پنداشته و در پانوشت مرقوم فرموده اند: «لم أعثر عليه بهذه العبارة، نعم هناك روايات تدل على ذلك»! آفرین که دست مصححان عالم را از پشت بسته اید!

\* ۳. ص ۴۶۳:

... مسوق لبیان أن دین محمد صلی الله علیه و آله لا ینسخ من قبل الله تعالی إلى یوم القیامة.

اینجا هم مصحح شق القمر کرده و در پانوشت آورده است: «لم أعثر عليه بهذه العبارة نعم هناك روايات تدل على ذلك»! گویا مصحح می خواسته عین همه عبارات آخوند را در کتب دیگران بیابد!

\* ۴. ص ۳۲۷:

... مع أنه لا یصح أن ینتزع السبب حقیقةً للدلوك مثلاً عن خطاب ایجاب الصلاة عنه ...

مصحح «خطاب ایجاب الصلاة» را به وسائل الشیعة ارجاع داده اند؛ با اینکه به خوبی معلوم است که اشاره آخوند به کهنه «أتم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل...»<sup>۲۲</sup> است و کاری به وسائل ندارد.

\* ۵. مصحح در ص ۱۷۸، آیه ۶ سوره حجرات را آیه «نفر» دانسته است؛ با اینکه آیه ۶ حجرات، آیه نبأ است و نه نفر. همچنین در ص ۵۶۶، آیه ۱۲۲ سوره بقره را آیه نفر دانسته که این هم خطاست؛ بلکه آیه نفر، آیه ۱۲۲ سوره

توبه است.

\* ۶. مصحح از چند نسخه در تصحیح استفاده کرده ولی با دقت و مراجعه به فهرستهای مخطوطات معلوم می شود که بخش مهمی از کتاب، یعنی حاشیه بحث بر امت و اشتغال و تخییر (ص ۱۸۱-۲۸۶) با هیچ نسخه خطی مقابله نشده و تنها از روی چاپ سنگی آن حروفچینی شده است؛ با اینکه نسخ خطی این مبحث هم موجود است.<sup>۲۳</sup>

\* ۷. اشکال مهمتر اینکه این اثر با چند نسخه از جمله دونسخه مسجد اعظم به شماره ۲۷۶ و ۳۰۰ و حرم قم به شماره ۵۹۲۸ و آستان قدس رضوی به شماره ۱۵۳۱۳ مقابله شده است؛ ولی هیچ يك از اینها نسخه اصل کل کتاب نیست. با اینکه در فهرستها آمده است که نسخه اصل قسمتهایی از حواشی آخوند موجود است که اگر گفته این فهرستها درست باشد، غفلت و بی اطلاعی مصحح از آنها و عدم تصحیح بر اساس آنها واقعاً فاجعه است و نتیجتاً باید مطلقاً فاتحه این تصحیح را خواند و آن را دور انداخت؛ از جمله در فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی (ج ۱۶، ص ۱۳۰) آمده است که بحث تعادل و تراجیح نسخه شماره ۶۱۲۹ کتابخانه مذکور به خط آخوند است. همچنین در فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس رضوی (ص ۱۳۲ و ۱۹۳) می خوانیم که نسخه شماره ۱۳۰۴۲، شامل بر امت و قطع و ظن و استصحاب به خط آخوند است.

\* ۸. عجیبتر اینکه مصحح به گفته خودش به نسخه خطی حاشیه قدیمه و جدیده تعادل و تراجیح دست یافته و خواسته است هر دو را چاپ کند؛ ولی چون دیده است اختلاف حاشیه قدیمه و جدیده چندان نیست و در حد چند کلمه است، اختلاف قدیمه با جدیده را در پانوشت آورده و مستقلاً حاشیه قدیمه را درج نکرده است (ص ۱۰). در شگفتیم از بی توجهی و غفلت و شتابزدگی این مصحح ارجمندا ایشان نسخه دیگری از حاشیه تعادل و تراجیح را حاشیه دیگری پنداشته و یکی را قدیمه و دیگری را جدیده انگاشته و خواسته اختلافشان را

حاشیه

# کتاب الملک کاتب

لؤلؤه

الأستاذ المحقق الفقيه الأصولي الكبير  
المولى محمد كاظم الآخوند الخراساني

صححه وعلا عليه

سيد محمد شمس الدين

ذکر کند؛ غافل از آنکه این دو نسخه، دو نسخه از يك حاشیه است و نه دو حاشیه! وگرنه چطور ممکن است کسی دو حاشیه در دو زمان بر تعادل و تراجم بنویسد و اختلاف این دو حاشیه تنها در چند کلمه باشد!

باری، بگذاریم و بگذاریم. اگر بنا باشد همه اغلاط این تصحیح بازگو شود، «مثنوی هفتاد من کاغذ شود».

در اینجا اشاره می‌کنم که تصحیح حاشیه آخوند بر مکاسب که به وسیله همین مصحح انجام شده نیز سرنوشتی مانند حاشیه رسائل و فوائد الاصول دارد و آکنده از اغلاط عجیب و غریب است که نقد آن، مقاله جداگانه‌ای می‌طلبد و در پایان این مقاله فقط اغلاط چند صفحه آن را فهرست وار می‌آورم:

صفحه	سطر	قسط	صحیح
۱۹۸	۴	فی تخصیصه من الافراد لا كلام	فی تخصیصه من الأفراد بلا كلام
۱۹۸	۱۶	لان احکم الواحدانی	لأن الحكم الواحداني
۱۹۸	۲۱	فذاك الحكم الواحدانی المستر	فذاك الحكم الواحداني المستمر
۲۰۱	۱۹	اما مكیفة به أو بعهدہ	إما مكيفة به أو بعده
۲۰۲	۷	للتملك المشتري لبعضها	لتملك المشتري لبعضها
۲۰۲	۱۳	كاف فی ثبوته الخيار	كاف في ثبوت الخيار
۲۰۲	۲۰	يساعده لاعتبار	يساعده الاعتبار
۲۰۲	۲۴	وجود السبب فی إسقاط السبب	وجود السبب في إسقاط السبب
۲۰۳	۵	ما لم يكون بدونہ	ما لا يكون بدونه
۲۰۵	۵۴	ان بيع الصیفة	أن بيع الضيعة
۲۰۵	۹	ما يحققة فی العين	ما يحققه في العين
۲۰۶	۳۲	و لو نقل بفساده	و لو لم نقل بفساده
۲۰۷	۲۲	تردد الأمرین	تردد الأمر بين
۲۰۹	۶	تقييده بما هو فاقدة	تقييده بما هو فاقده
۲۰۹	۸۷	هنا ليس مجالاً لإصالة	هنا ليس مجال لأصالة
۲۱۲	۱	ترتيب الاطعام علیها	ترتيب الأحكام علیها
۲۱۲	۱۰	ان تعین المبیع	أن تغيير المبیع



صفحه	سطر	فصل	صحیح
۲۱۲	۱۴	لمضیه أو تمهیداً	لمضیه أو تمهیداً
۲۱۲	۱۶	بین الصحیحین	بین الصحیحین
۲۱۲	۲۲	ذیل المرسله	ذیل المرسله
۲۱۵	۳	احدهما من حیث	أحدهما من حیث
۲۱۵	۶	بکلا شفه ما	بکلا شفه ما
۲۱۵	۱۱	منه غیر واحد	منه فی غیر واحد
۲۱۷	۱۹	البایع المقضی للأخبار	البایع المقضی للأخبار
۲۱۷	۱۳	الخیار العیب	الخیار العیب
۲۱۷	۱۷.۱۵	الخیارات	الخیارات
۲۱۷	۲۳	فی التذکره قاصراً	فی التذکره قاصراً
۲۲۴	۲	نعم لم یکن لها	نعم لو لم یکن لها
۲۲۴	۸	تلبسه بالعیب	تلبسه بالعیب
۲۲۴	۱۲	الإطلاق یعم	بین این دو کلمه یک سطر کلاً ساقط شده است
۲۲۴	۲۲	بالتفصیل	بالتفصیل



«حوزه» بود که به آن اشاره شد. البته به گفته سعدی «هرکسی عقل خود را به کمال نماید و فرزند خود را به جمال». فی دائم «بعض الأعلام» چه کسی بوده که با کتاب و تصحیح بیگانه بوده و انسی با قلم نداشته و مصحح را برتباه کردن آثار سلف صالح «تشریح» کرده است؟

باری، بنای بنده بر این است که اگر اثری از نویسنده ای نقد شد، همان را کافی می دانم و دیگر سراغ نقد دیگر آثارش نمی روم. چون هدف، تنبیه و تذکر نویسنده است و این هم با یک نقد حاصل شود؛ ولی از آنجا که با نقد تصحیح فرانداصول، نه مصحح معنیبه شد و نه ناشر، از این رو به نوشتن این نقد رو آوردم.



چنان که ملاحظه می شود، این همه قسمتی از اغلاط تنها دوازده صفحه تصحیح حاشیه مکاسب است. با این همه فی دائم بطور مصحح در مقدمه تصحیح حاشیه رسائل (ص ۹) با اشاره به تصحیح حاشیه مکاسب و فرائد الاصول نوشته است:

«فتلقى الخوذة العلمية و المجامع العلمية [كذا] الكتابین بكل الاستقبال و القبول، فشوکتونی بعض الأعلام و الاساتید العظام لتحقیق حاشیة علی الفرائد... فصار ذلك سبباً لشوکتونی الوافر إلى تحقیق هذا الكتاب العظیم.»

اینکه گفته اند: «حوزه های علمیه از [تصحیح و نشر] آن دو کتاب کاملاً استقبال کردند و...» حرفی است چرند و خلاف واقع. نمونه ای از تلقی حوزه از این دو کتاب، نقد

## پانوشتها :

۱. رك: الدررعة إلى تصانيف الشيعة. شيخ آقا بزرگ تهرانی. (بهرت، دارالأضواء). ج ۶، ص ۱۶۰ و ج ۸، ص ۱۳۲؛ مرگی در نور. عبدالحسین مجید کفائی. (تهران، انتشارات زوکار، ۱۳۵۹). ص ۲۲۶ و ۲۲۷.
۲. مرگی در نور، ص ۳۲۶.
۳. فوائد الاصول. آخوند خراسانی. تصحیح سید مهدی شمس الدین. (چاپ اول: تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۷). ص ۱۳۵.
۴. فوائد الاصول، ص ۸۱.
۵. همان، ص ۸۲.
۶. درالفرائد. آخوند خراسانی. تصحیح سید مهدی شمس الدین. (چاپ اول: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰). ص ۲۳.
۷. درالفرائد، ص ۵۴.
۸. همان، ص ۲۳۷.
۹. همان، ص ۳۶۸.
۱۰. همان، ص ۴۳۱.
۱۱. كفاية الاصول. آخوند خراسانی. تصحیح مؤسسه آل البيت. عليهم السلام. (چاپ اول: قم، ۱۴۰۹). ص ۲۶۶.
۱۲. كفاية الاصول، ص ۲۸۰.
۱۳. حاشية المكاسب. آخوند خراسانی. تصحیح سید مهدی شمس الدین. (چاپ اول: تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶). ص ۱۸۳.
۱۴. فوائد الاصول، ص ۱۱۴.
۱۵. الدررعة، ج ۶، ص ۱۶۰ و ج ۸، ص ۱۳۲.
۱۶. همان.
۱۷. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. محمدتقی دانش پزوه. (چاپ اول: تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰). ج ۹، ص ۱۳۴۵-۱۳۴۶.
۱۸. همان.
۱۹. رك: فهرست الفبائی كتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. محمد آصف فکرت و محمد وفادار مرادی. (چاپ اول، مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹). ص ۱۳۲، ۱۹۳، ۲۰۶، ۶۳۸.
۲۰. رك: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ج ۹، ص ۱۳۴۵-۱۳۴۶.
۲۱. رك: فهرست کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی. سید احمد حسینی. (چاپ اول: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۶۷). ج ۱۶، ص ۱۳۰.
۲۲. سورة مباركة إسرأ. (۱۷): ۷۸.
۲۳. رك: مناهي که در پانوشتهای شماره ۲۱، ۱۹ معرفی شد.

## نکته‌ای ادبی

ترکیباتی از قبیل «ابحاث المفیده» و «سهام المارقة»، و «عروة الوثقی»، و «فوزالاصفر» و «نهرالماد» و «جواهر السنية»، و «شمس المنيرة» بحذف الف و لام از موصوف و اثبات آن در صفت اگر چه در عربی از اغلاط بزرگ محسوب میشود (مگر در بعضی موارد سماعی که موصوف بصفت اضافه شده است مثل مسجد الجامع و بقلة الحمقاء و غیره ذلك که در کتب نحو بیان شده است) ولی در فارسی قطعاً غلط نیست. چه فی الحقیقه اثبات الف و لام در امثال این تراکیب فوق العاده بر زبان ثقیل و بر سمع کره است و از قدیم الایام خواص و عوام و جمیع اساتید از شعرا و نویسندگان بلاستنا همیشه این نوع ترکیبات را مطلقاً بحذف الف و لام در جزو اول استعمال کرده و می کنند، مثلاً حجرالاسود می گویند نه الحجرالاسود، و شیخ الرئیس نه الشیخ الرئیس، و همچنین عروة الوثقی، و حبل المتین و مسجدالحرام و مسجدالاقصی و بیت المعمور و روح الامین و ایام البیض و حورالعین و غیرها و غیرها، حافظ گوید:

در طریقت هر چه پیش سالك آید خیر اوست

در صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست

ناصر خسرو گوید:

بهر تعویذ عقد حورالعین

فرقدان چون هلیله زرین

سعدی گوید:

نه از قبیله آدم که در بهشت خدای

بدین کمال نباشد جمسال حورالعین

و شبیه بترکیبات مذکور در فوق است اگر چه عین آنها

نیست سماء و العالم که حذف الف و لام از معطوف علیه در

این کلمه در طی عبارات فارسی قطعاً غلط نیست بعین دلیل

متقدم. (بیست مقاله. علامه قزوینی. چاپ دوم، تهران،

۱۳۳۲ش، ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۱).

